قدس
رواق
ویژه‌فرهنگ‌ومعارف‌رضوی
| سال اول | ویژه نامه ۱۰۳ |

گفت و گو با دکتر هادی وکیلی
درباره واقعه تاریخی گوهرشاد
قیام مسجدی ها ۲

ادبیات رضوی
رونمایی از «مرا با خودت ببر» ۴

حاشیه‌نگاری اجرای یک تئاتر با موضوع واقعه گوهرشاد
سلفی در «باغ خونی» ۳

موانع سرمایه‌گذاری در منطقه ویژه اقتصادی سرخس باید از بین برود
شرط حضور موفق در بازار آسیای میانه ۴

روایت مقاومت زنان و مردان ایرانی در دوران کشف حجاب رضاخانی
زیارت ناتمام ۲

عکس وحید بیات - قدس

حجت‌الاسلام والمسلمین مروی:

فعالیت‌های فرهنگی آستان قدس رضوی معطوف به حوزه جوانان است

تولیت آستان قدس رضوی گفت: آستان قدس در حوزه فرهنگ عمده همت خود را به فعالیت در حوزه جوانان معطوف کرده است، زیرا جوانان قوه محرکه جامعه هستند و ما به عنوان دستگاه منتسب به امام علی بن موسی الرضا(ع) وظیفه داریم به میزان توان و مقدورات بنیان‌های اعتقادی آینده‌سازان جامعه اسلامی را تقویت و عمق ببخشیم.به گزارش آستان‌نیوز، حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مروی در اختتامیه دوره مجازی «بی‌نهایت شو» که با حضور دختران برگزیده سراسر کشور در اردوگاه فرهنگی تربیتی امام رضا(ع) مشهد برگزار شد، جوانان را سرمایه عظیم جامعه و نقش آنان را در پیشرفت و اعتلای کشور تعیین‌کننده دانست و گفت: آستان قدس رضوی وظیفه خود می‌داند هر آنچه را در توان دارد برای بالا بردن دانش دینی جوانان به کار گیرد.وی با بیان اینکه آستان قدس فعالیت در راستای تقویت دین‌باوری و مبانی دینی جوانان را وظیفه خود می‌داند، افزود: اقدام برای تقویت بنیان‌های عقیدتی جوانان از دستورات دین اسلام و ائمه اطهار(ع) است، زیرا سلامت جوانان به سلامت و سعادت جامعه منتهی می‌شود.تولیت آستان قدس رضوی گفت: آستان قدس در حوزه فرهنگ عمده همت خود را به فعالیت در حوزه جوانان معطوف کرده است، زیرا جوانان قوه محرکه جامعه هستند و ما به عنوان دستگاه ...

۴

روایتی تاریخی از چرایی و چگونگی وقوع قیام مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴

شهادت زیر گنبد فیروزه‌ای

محمدحسین نیکبخت

در میان وقایع پس از انقلاب مشروطه، قیام مسجد گوهرشاد یک نقطه عطف محسوب می‌شود؛ رویدادی که نشان می‌دهد باوجود تلاش‌های گسترده برای فرهنگ‌زدایی در ایران و جایگزین کردن نمونه‌های غیردینی، علاقه و عِرق ایرانیان به مذهب، ریشه‌ای مستحکم و پایدار دارد. این رویه، البته به مذاق منورالفکرهایی که ایران را از «انگشت پا تا فرق سَر فرنگی» می‌خواستند، خوش نمی‌آمد و به همین دلیل، بازخوردی در آثار تاریخی این دوره نداشت و بعدها، معدود نویسندگان و مورخانی مانند «حسین مکی» اتفاق‌های آن را شرح دادند و به تحلیل وقایع قیام مسجد گوهرشاد پرداختند. برخی معتقدند این قیام سرانجام شکاف عمیق میان حاکمیت و مردم در دوره پهلوی اول را عیان کرد. هرچند با گلوله‌باران خانه خدا، در سحرگاه ۲۱ تیرماه ۱۳۱۴، قیام در ظاهر سرکوب شد، اما حقیقت آن است که خون شهدای مظلوم آن رویداد، در سیاهی اختناقی که سراسر ایران را فراگرفته بود، پرچم حقیقت و ماهیت فرهنگی مردم را به اهتزاز درآورد و نشان داد آنچه از سوی دستگاه به عنوان فرهنگ ایرانیان تبلیغ می‌شود، نسخه‌ای جعلی است که ارتباطی با میل و باطن ملت ایران ندارد. قیام مسجد گوهرشاد که امروز سالگرد آن است، عیار فرهنگی ملت ایران را معلوم کرد و بر رهبری علما و مراجع صحه گذارد. در رواق امروز، با هم مروری مختصر بر تاریخ این واقعه بزرگ و تأثیرگذار داریم.

■ **اسلام فدایی می‌خواهد**

زمینه قیام مسجد گوهرشاد، با رسیدن خبر مربوط به بازداشت و تبعید علمای معترض شیراز و تبریز، پس از ماجرای جشن ۱۳ نوروز سال ۱۳۱۴ شکل گرفت. در آن روز، طی مراسمی با حضور علی‌اصغرخان حکمت، وزیر علوم و معارف پهلوی اول در شیراز، ناگهان گروهی از دختران بدون حجاب وارد صحنه شدند و به رقص و پایکوبی پرداختند. این اتفاق، واکنش شدید مردم و علمای شیراز را برانگیخت و آن‌ها به رهبری آیت‌الله فال‌اسیری، علیه این دین‌ستیزی آشکار به‌پا خاستند. با این حال، عُمّال پهلوی اول توانستند معترضان را سرکوب و عالم نامدار شیراز را تبعید کنند. عین همین وقایع، در تبریز نیز اتفاق افتاد و در آنجا، آیت‌الله انگجی و میرزاصادق‌آقا، دو تن از علمای شهر، به تبعید فرستاده شدند. وقتی خبر این ماجرا به مشهد رسید، غوغایی به‌پا شد. آیت‌الله‌العظمی سیدعبدالله شیرازی که در آن زمان در مشهد حضور داشت، در این باره می‌گوید: «گزارش این موضوع به سمع آیت‌الله سیدحسین قمی زعیم حوزه علمیه مشهد رسید. به شدت گریه کرد و ضمن سخنانی اظهار کرد: ای مردم! امروز اسلام فدایی می‌خواهد و من حاضرم فدا شوم.» همزمان با این اتفاق، خبر اجباری شدن کلاه شاپو به مشهد رسید و موج اعتراض دیگری را برانگیخت. آیت‌الله قمی پس از جلسه‌ای با علمای مشهد، تصمیم گرفت به تهران برود و شخصاً با رضاشاه دیدار کند. اما پس از ورود به شهر ری، در باغ سراج‌الملک بازداشت شد و تحت نظر قرار گرفت.

■ **چگونه اجتماع مسجد گوهرشاد شکل گرفت؟**

رسیدن خبر بازداشت آیت‌الله قمی به مشهد، موجب ملتهب شدن اوضاع شد. علمای شهر در منزل آیت‌الله سیدیونس اردبیلی گرد آمدند تا برای رفع این مشکل تمهیدی بیندیشند. در همین زمان بود که شیخ تقی بهلول وارد مشهد شد و پس از آگاهی از وضعیت آیت‌الله قمی، به سخنرانی علیه اقدام رژیم پهلوی پرداخت. با دستگیری موقت بهلول، وضعیت بحرانی‌تر شد؛ به خصوص اینکه او را در یکی از حجره‌های مسجد گوهرشاد حبس کردند تا بعد به شهربانی منتقل کنند. مردم که از رفتارهای دین‌ستیزانه رضاشاه به ستوه آمده بودند، در مسجد گوهرشاد جمع شدند و پس از آزاد کردن بهلول، اجتماعی بزرگ در این مسجد شکل گرفت. اجتماعی که لحظه به لحظه بر تعداد حاضران آن افزوده می‌شد. بخش مهمی از کسانی که در مسجد گوهرشاد اجتماع کردند، افرادی بودند که از روستاها و شهرهای کوچک اطراف، خود را به مشهد رساندند. یکی از دلایل ناشناس ماندن تعدادی از شهدای واقعه مسجد گوهرشاد، همین است.

■ **۱۹ تیرماه: نخستین تقابل**

حضور پرشور مردم در مسجد گوهرشاد موجب شد کنترل اوضاع از دست مقامات وقت خارج شود. این‌گونه بود که ایرج مطبوعی، فرمانده لشکر خراسان، سربازان این لشکر را برای سرکوبی مردم به میدان آورد. سحرگاه روز ۱۹ تیرماه ۱۳۱۴، مسجد گوهرشاد به محاصره نیروهای نظامی درآمد. با این حال، گروه‌هایی که به‌تازگی از روستاهای اطراف رسیده بودند، توانستند پس از درگیری مختصری، وارد مسجد شوند. براساس اسناد باقی‌مانده از آن دوران در دفتر اموات سال ۱۳۱۴ گورستان گلشور مشهد، در روز ۱۹ تیرماه نیز، کار به خشونت کشیده شد و دست‌کم ۱۰ نفر از مردم به شهادت رسیدند که متأسفانه بیشتر آن‌ها را با عنوان «مجهول‌الهویه» در گورستان عمومی شهر به خاک سپردند.

■ **آغاز هجوم نهایی**

با رسیدن خبرهای مربوط به تحصن مردم در مسجد گوهرشاد به تهران، دستور مؤکد برای سرکوبی متحصنان صادر شد. حسین مکی می‌نویسد: «پاسی از نیمه‌های شب ۱۲ ربیع‌الثانی گذشته بود که صدای غرش مسلسل‌های قزاقان، آسمان مقدس خراسان را به لرزه انداخت و قشون شرق به فرماندهی سرلشکر ایرج مطبوعی و... برای فتح مسجد گوهرشاد به حرکت درآمد و صدای شیپور آغاز جنگ، از همه طرف بلند شد. عده‌ای از مأمورین مخفی رژیم، قبلاً وارد مسجد شده بودند و قرار بود آن‌ها، از داخل وارد عمل شده و راه‌ها را برای ورود نیروهای رضاخان به داخل مسجد هموار سازند و چنین شد. دژخیمان اسلحه به دست، پای به درون خانه خدا گذاردند و همه مسجدیان را از دم تیغ گذراندند و به هیچ‌کس رحم نکردند و به قول خودشان کاری کردند که روس‌ها نکرده بودند. هنگامی که سپیده سر می‌زد، دیگر نه صدای گلوله‌ای بود و نه صدای «یاعلی، یاعلی» و قزاقان فاتح، در پناه مسلسل کور و نابینای خویش، پا روی کشته‌شدگان بر زمین افتاده می‌گذاشتند و به دنبال زندگانی بودند که در پناهگاهی از دسترس گلوله به دور مانده بودند. قزاقان با کشتن بیش از ۲ هزار تن و اسیر کردن هزار و ۵۰۰ تن، توانستند قلب مقاومت‌گران مسجد گوهرشاد را درهم شکنند». قتل‌عام ۲۱ تیرماه ۱۳۱۴ در مسجد گوهرشاد، ساعتی ادامه داشت. محمدعلی شوشتری، از صاحب‌منصبان وقت آستان‌قدس رضوی در خاطراتش می‌گوید: «ما در کلانتری بودیم که [سرهنگ] قادری (فرمانده حمله به متحصنان مسجد گوهرشاد) با حالی سهمناک و چشمانی خونین وارد شد. به محض ورود، آقای مطبوعی سؤال کرد: کشتار هم شد؟ به ذات پروردگار و حقیقت حضرت ثامن‌الحجج(ع)، قادری این عبارت را جواب داد و با دست به گلویش اشاره کرد که: آن‌ها را خِر کردم و مثل گوسفند در مسجد و شبستان‌ها و دارالسیاده، از کُشته، پُشته‌ساخته‌ام».

■ **مُو هنوزَم سَرِ حَرفُم هَستُم**

اما آیا با این توحش افسارگسیخته، می‌شد مردم و خواسته‌های آن‌ها را نادیده گرفت و موجب جدایی‌شان از دین شد؟ شاید گزارش جعفر مهدی‌نیا در جلد چهارم کتاب «نخست‌وزیران ایران»، درباره یکی از مجروحان این حادثه که در مریضخانه و هنگام معاینات پزشکی به شهادت رسید، پاسخی قاطع به این پرسش باشد: «بین مجروحین مردی کوتاه قد بود که قدش از یک متر تجاوز نمی‌کرد. این مرد یک پایش را گلوله متلاشی کرده و یک چشمش را سرنیزه از حدقه درآورده بود. از بینی‌اش متصل خون می‌آمد. حالت عمومی وی نشان می‌داد که آخرین دقایق زندگی را می‌گذراند. در این موقع، یکی از مأموران به اطرافیانش گفت: باید از این پرسید: تو دیگر چرا وارد معرکه شدی؟ مجروحِ محتضر، با آخرین قوا سر برداشت و نیم‌خیز شد و با لهجه غلیظ خراسانی گفت: مُو هنوزَم سَرِ حَرفُم هستُم و در همان دم جان سپرد». قیام مسجد گوهرشاد، پایان کار مردم و خواسته‌هایشان نبود؛ باید آن را آغازی بر پایان رژیم پهلوی بدانیم، پایانی که ۴۳ سال بعد، در بهمن ۱۳۵۷ رقم خورد.

گزیده

رسیدن خبر بازداشت آیت‌الله قمی به مشهد، موجب ملتهب شدن اوضاع شد. علمای شهر در منزل آیت‌الله سیدیونس اردبیلی گرد آمدند تا برای رفع این مشکل تمهیدی بیندیشند. در همین زمان بود که شیخ تقی بهلول وارد مشهد شد و پس از آگاهی از وضعیت آیت‌الله قمی، به سخنرانی علیه اقدام رژیم پهلوی پرداخت. با دستگیری موقت بهلول، وضعیت بحرانی‌تر شد؛ به خصوص اینکه او را در یکی از حجره‌های مسجد گوهرشاد حبس کردند تا بعد به شهربانی منتقل کنند.

آن روزها

معرفی یکی از عاملان کشتار مسجد گوهرشاد

مردی شبیه شمر

محمدرضا انصافی

در کشتار مردم متحصن در مسجد گوهرشاد، اتفاقی که در ۲۱ تیرماه ۱۳۱۴ افتاد، افراد متعددی به ایفای نقش پرداختند که در میان آن‌ها، سرهنگ حبیب‌الله قادری، یکی از عوامل اصلی بود و بسیاری از مورخان، وی را از طراحان این حمله می‌دانند. حبیب‌الله قادری در سال ۱۲۷۴ش. متولد شد. تحصیلات خود را در مدرسه دارالفنون طی کرد او را پس از دانش‌آموختگی به آتریاد همدان فرستادند، جایی که در آن زمان، فرماندهی‌اش را رضاخان میرپنج برعهده داشت و این اتفاق، موجب آشنایی قادری با پهلوی اول شد. قادری در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ش. یکی از قزاق‌های جوانی بود که با رضاخان همراه شد و در کودتا شرکت کرد. به همین دلیل توانست به سرعت مدارج ترقی را در نظام طی کند. او در سال ۱۳۱۰ش. با درجه سرگردی، فرمانده هنگ پیاده لشکر خراسان شد و در سال ۱۳۱۳، با درجه سرهنگی، فرماندهی تیپ پیاده مشهد به وی واگذار شد. در واقعه گوهرشاد، قادری نقش اصلی را در کشتار مردم بی‌دفاع برعهده داشت. رفتار وقیحانه وی در قتل‌عام زنان و کودکان، حتی انزجار برخی وابستگان رژیم پهلوی را برانگیخت. پس از انتقال ایرج مطبوعی به آذربایجان، قادری نیز، در حالی که به دلیل فرماندهی قتل‌عام مردم در مسجد گوهرشاد، مدال، واکسیل آجودانی و درجه جدید گرفته بود، همراه او به تبریز رفت. مطبوعی فرماندهی تیپ اردبیل را به قادری واگذار کرد. مدتی بعد، تیپ اردبیل به لشکر تبدیل شد و قادری با درجه سرتیپی، فرمانده آن شد. در جریان حمله نیروهای شوروی، در شهریور ۱۳۲۰، لشکر اردبیل نخستین لشکری بود که از هم پاشید. قادری پس از فرار از مقابل دشمن، مدتی سرگردان بود. او را از ارتش اخراج کردند و به دلیل سابقه ناسالمش، هیچ کس جرئت واگذاری کار به او را نداشت. سرانجام، حبیب‌الله قادری در اواخر دهه ۱۳۲۰، در حالی که بار جنایت دهشتناک مسجد گوهرشاد را بر دوش می‌کشید، در فقر و تنگدستی درگذشت. سینا واحد در کتاب «قیام گوهرشاد» آورده است که قادری به سرطان گلو مبتلا شد. شاید بهترین توصیف از شخصیت وی را بتوان در خاطرات محمدعلی شوشتری، یکی از شاهدان عینی واقعه گوهرشاد و صاحب‌منصب وقت آستان‌قدس، یافت: «راستی این شعری را که اهل منبر به شمر نسبت می‌دهند که در مجلس عبیدالله یا یزید خواند «املاء رکابی فضه و ذهبا» (رکاب اسبم را از طلا و نقره پر کنید)، قادری نیز خواند، منتها نه به عربی، به فارسی.»

نیمکت زندگی

وقتی عشق کفش و کلاه می‌کند

رقیه توسلی

زمانه ما فرق می‌کرد... خیلی که می‌خواستیم عاشقی‌مان را نشان بدهیم یکسر می‌رفتیم تا زرگری. چهار تایی النگو می‌خریدیم، دور از چشم بچه‌ها می گفتیم قابل شما را نداره عیال... یا سر سفره به مادر بچه‌ها خبر می‌دادیم امید به خدا، جمعه‌ای میریم چرخکی می‌زنیم و بعدش سُر می‌خوریم کبابی سیداسماعیل... یا که پاچه شلوار را پنج تا می‌کردیم و چلّه مرداد می‌زدیم به دل شستن قالی‌ها و پرده‌های مهمونخونه... ما اهل زبان نبودیم، خیلی که می‌خواستیم دلبری کنیم و غمزه یارمان را بخریم می‌گفتیم الهی تصدقتان... حواسمون پرت نمی‌شد که برای عشقمان پارچه چیت گلدار بخریم... که خرجی را با خُلقِ خوش بگذاریم سر طاقچه... که گهگداری لب پاشویه بنشینیم و رخت پهن کردنش را تماشا کنیم... یا که بالای نردبان بجهیم و برایش سطلی برگ مو بچینیم... اصلاً زمانه ما، تلفن نبود که... ادکلن فرنگی و شکلات و ماشین نبود که... ما می‌گفتیم عجب عطری افتاده به پارچ دوغ، چه پونه پاشونی که نکردید مهین بانو! الهی که دستت برسد به ضریح آقا امام رضا... ما این‌طوری می‌گفتیم عاشقیم... عجالتاً مشتی و مهربان... خیلی اهل جمله ردیف کردن نبودیم... بلد نبودیم... مجنون بودن ما توفیر داشت.

حالا را خیلی نمی‌دانم اما زمان ما عاشقی، ظریف و استوار بود... نقش و نگار ترمه داشت... بوی زعفران و نبات و آش رشته و شاهتوت می‌داد... زیر پوستش شادی داشت... نگاهمان هربار که توی هم گره می‌خورد بی بروبرگرد لبخندکی می‌افتاد گوشه صورتمان... ما جوان‌های دیروزی این‌طور بودیم، کمتر اهل بیان و به‌شدت اهل رفتار و انجام... اما دوره و زمان چرخیده و آدم‌ها عوض شده‌اند... کاش عاشق‌های امروزی زیرک باشند... کاش بدانند یک جای کار می‌لنگد اگر گوش و قلب را قد هم درنیابند.

این‌ها را «باباعبدالله» می‌گوید. پدربزرگ شریفی که امروز مثل من، کفش و کلاه کرده و آمده محضر. آمده عقدکنان نوه‌اش.

پی نوشت

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: این گفتار مرد به همسرش که «من تو را دوست دارم»، هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود.

به روایت شیخ عباس موسوی مطلق

چهار خاطره از شیخ محمدتقی بهلول

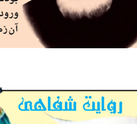

عارفانه

راوی: شیخ عبدالکریم حق‌شناس

نماز من سه ربع طول می‌کشد جوان!

نوروز ۱۳۰۶ در زمان تحویل سال که جمعیت کثیری از مردم در حرم و اطراف حرم مطهر حضرت معصومه(س) حضور یافته بودند، همسر رضاخان با سر برهنه به همراه ملازمانش قصد ورود به حرم را داشت. آیت‌الله شیخ محمدتقی بافقی که در آن زمان پس از بازگشت از نجف، تولیت آستان مقدس حضرت معصومه(س) را عهده‌دار بود، به محض اطلاع از ورود بی‌حجاب همسر رضاخان، دستور ممانعت از ورود وی و همراهانش را صادر کرد. خبر به تهران رسید، رضاخان بلافاصله فردای آن روز به همراه گارد سلطنتی به حرم آمد و شیخ را مورد ضرب و شتم قرار داد و به منطقه ری تبعید کرد.

آیت‌الله شیخ عبدالکریم حق‌شناس در یکی از جلسات اخلاق ماجرایی را در خصوص سؤال و جواب اخلاقی شیخ محمدتقی بافقی با یک جوان ذکر می‌کند که جالب توجه است. ایشان می‌گوید: من اول بنایم نبود نمازم در اول وقت و به جماعت باشد. اما در اوایل دوره جوانی که تازه به مدرسه و مسجد آمده بودم، یکبار که به حرم حضرت عبدالعظیم مشرف شدم، دیدم همه جماعت‌ها خوانده شده و تنها جماعتی که باقی مانده، نماز آشیخ محمدتقی بافقی است. ما که نشسته بودیم، ایشان برگشت و گفت: «شما برای چه نشسته‌اید؟». من گفتم: «آقا ما نشسته‌ایم نماز را با شما بخوانیم». ایشان گفت: «نماز من جریره است و نزدیک سه ربع طول می‌کشد!» من گفتم: «یک ساعت هم طول بکشد ما نشسته‌ایم».

در این بین جوانی بود که از ایشان پرسید: «تو اهل کجایی؟» گفت: «ما رک اللّه! بگو ببینم مولای من چه فرمود؟». جوان مرحوم بافقی گفت: «تو هم می‌خواهی با ما نماز بخوانی؟ ناهارت را خورده‌ای؟» او گفت: «نه آقا! ما اول نماز می‌خوانیم بعد ناهار می‌خوریم». آشیخ گفت: «خب برای چه آمده‌ای؟» جوان گفت: «ما برای نماز اول وقت آمدیم! این از خصوصیات امام زمان است». آشیخ محمدتقی هم که از عاشقان امام زمان(عج) جوان نگفت اهل کجاست و گفت: «اهل همین دور و برها». جوان گفت: «آقا! من مجاز نیستم همه را عرض کنم». شیخ گفت: «هرچه را که مجازی عرض کنی، بگو!» جوان گفت: «مولای من و شما فرمودند: نماز را باید در اول وقت بخوانی و جماعت را ترک نکنی!» آشیخ شروع به گریه کرد. جوان هم ادامه داد: «دومی را هم می‌گویم اما از گفتن بقیه معذورم!» فرمودند نافله‌هایی که می‌خوانی درصدد نیاش زود تمام شود؛ بلکه آن‌ها را خوب و با توجه بخوان! مثلاً ۱۱ رکعت نماز شب را سریع نخوان که زود تمام شود. در کیفیت نماز سعی کن نه در کمیت آن! من هم دیدم تمام نماز جماعت‌ها خوانده شده، لذا آمدم خدمت شما».

منبع: مواعظ، جلد ۲، ص ۶۱

صیانت زن، او را شاداب‌تر و زیباییش را پایدارتر می‌کند.

شایسته نیست زن مسلمان، آن‌گاه که از خانه خویش بیرون می‌رود، لباس خود را وسیله جلب توجه دیگران نماید.

روایت شفاهه

روایت مقاومت زنان و مردان ایرانی در دوران کشف حجاب رضاخانی

زیارت ناتمام

رواق: چهارسال پیش و در بازدید رهبر معظم انقلاب از نمایشگاه «حماسه گوهرشاد» در حرم مطهر رضوی، ایشان تأکید کردند «خیلی مایه تأسف است که حادثه مسجد گوهرشاد با این عظمت و با این اهمیت هیچ انعکاسی در تاریخ ما، در ادبیات ما، در کتاب‌های رمان ما نداشته باشد». بدیهی است در وهله نخست و پیش از رسوخ چنین واقعه‌ای در ادبیات، باید خاطراتی را که در این خصوص در اذهان ملت آمده جمع‌آوری کرد تا هم بتوان به‌عنوان سند تاریخی آن‌ها را برای همیشه حفظ کرد و هم با فراوری آن‌ها در قالب‌های ادبی، به نسل بعدی منتقل نمود. آنچه در ادامه می‌خوانید گزیده‌ای از کتابی است که مصطفی فاروقی با عنوان «جاری که جا نماند» از خاطرات مقاومت زنان و مردان ایرانی در دوران کشف حجاب رضاخانی گردآوری کرده است.

بارِ اضافی

راوی: محمد ابراهیم دانش به نقل از مادر، خوزستان

مادرم تعریف می‌کرد در زمان کشف حجاب، از خانه بیرون نمی‌رفتیم. اگر مجبور می‌شدیم، کیسه‌ای از لباس یا مواد غذایی را پر می‌کردیم و کیسه را روی سرمان می‌گذاشتیم تا موهای سرمان پیدا نباشد.

ساختن حمام خانگی

یوسف نجفی جیلانی به نقل از پدربزرگ، رشت

پدربزرگم تعریف می‌کرد: ما اتاقی را در منزلمان به حمام تبدیل کرده بودیم. با این کار خانم‌ها و دخترهای همسایه که نمی‌توانستند از ترس کشف حجاب به حمام محله بروند، شب‌ها در خانه ما و در این اتاق حمام می‌کردند. یک گوشه از اتاق هم گودالی برای گرم کردن آب تعبیه کرده بودیم.

پنهان شدن در قنات

معصومه سادات شمسی پور به نقل از مادربزرگ، خور

مادربزرگم که در ایام کشف حجاب ۱۱ ساله بوده تعریف می‌کرد: من و دو خواهرم از ترس کشف حجاب می‌ترسیدیم به حمام برویم. اگر با حجاب می‌رفتیم به تور مأمورها گرفتار می‌شدیم. سر همین قضیه پدرم تصمیم گرفت ما را به دامغان ببرد چرا که در آنجا هم خانه داشتیم. از ترس مأمورها شبانه لوازممان را جمع کردیم و پیاده راه افتادیم. شب‌ها حرکت می‌کردیم و روزها در قنات پنهان می‌شدیم تا اینکه پس از دو یا سه روز به خانه‌مان در دامغان رسیدیم.

وداع با اسلحه

جواد سنگونی به نقل از پدربزرگ، مشهد

پدربزرگم تعریف می‌کرد دوران خدمتش در مشهد بوده است. می‌گفت: به من سلاح داده بودند که اگر زن یا دختری را با حجاب دیدم به زور او را وادار به کشف حجاب کنم. حتی حکم تیر هم داده بودند. بالاخره از خدمت فرار کردم و فهمیدم حکم اعدامم صادر شده است. از روستا فرار کردم و در جای دیگری به کشاورزی مشغول شدم.

گذرنامه انگلیس

سیدحسن پور رضوی به نقل از پدر، ساری

پدرم از شیعیان پاکستان بود و از آنجا به ساری مهاجرت کرده بود. می‌گفت: چون در آن دوران پاکستان مستعمره انگلیس بود، ما هم گذرنامه انگلیسی داشتیم. وقتی آزان‌ها به خاطر حجاب همسرم جلو ما را می‌گرفتند من هم همین گذرنامه را نشان می‌دادم و می‌گفتم ما تبعه انگلیس هستیم. آزان‌ها هم همین که گذرنامه را می‌دیدند به ما کاری نداشتند.

گِل

آرزو علی زاده به نقل از مادر، خوی

مادرم تعریف می‌کرد آن زمان زن‌ها برای شست‌وشوی لباس‌ها و ظروف به کنار رودخانه می‌رفتند. یک بار مأمورها حجاب از سر زنی که به همین منظور به کنار آب آمده بوده برمی‌دارند و او از گِل رودخانه آن قدر به سر و رویش می‌مالد تا موهایش مشخص نباشد.

ترس و لرز

باقر فرزانه به نقل از مادربزرگ، بهبهان

مادربزرگم در زمان کشف حجاب در روستا زندگی می‌کرد. خودش تعریف می‌کرد: یک‌بار برای خرید به شهر آمدیم که مأمورها من را دیدند و چادر روی سرم را برداشتند. من هم از خجالت اینکه چادر نداشتم، یک پتو خریدم و دور خودم پیچیدم. همین که مأمورها به من رسیدند، خودم را به تب و لرز و مریضی زدم تا پتو را مثل چادر از روی سرم برندارند.

کُت به سر

کاظم صیدی به نقل از عمه، مراغه

عممام می‌گفت: وقتی در مراغه چادر از سرم کشیدند از شدت ناراحتی حالت قلبی به من دست داد و همان‌طور روی زمین نشستم و سرم را با دو دستم گرفتم. آن قدر در همان حال ماندم تا بالاخره مردی که از آنجا رد می‌شد، کت روی دوشش را روی سرم انداخت. من هم با همان کت روی سر تا خانه رفتم.

کاسه ماست

مژگان حسن‌زاده به نقل از خاله، مراغه

خاله بزرگم می‌گفتند: آن دوران وقتی هنوز هفت هشت ساله بودند برای گرفتن ماست بیرون می‌روند. همین که مأمورها او را می‌بینند، چادر از سرش می‌کشند. خاله‌ام هم از خجالت، ماست‌ها را خالی می‌کند و کاسه را تا خانه روی سرش می‌گذارد.

زیارت ناتمام

یحیی چراغی به نقل از مادربزرگ، قم

مادربزرگم زمانی با پدربزرگم تصمیم می‌گیرند از روستاهای اطراف قم برای زیارت حضرت معصومه(س) به قم بروند. می‌گفت: به قم که رسیدیم مأمورها جلو ما را گرفتند و پیله کردند که باید چادر از سرم بردارم. روحانی‌هایی که آنجا بودند مانع شدند و من و پدربزرگ به یک گاراژ رفتیم و منتظر مینی‌بوس ماندیم تا ما را برگرداند روستا.

گوشمالی مأمور

مهدی جعفری نسب به نقل از دوستان، اشکذر

یک روز چند تا از دوستان ما نصیحت می‌گیرند به مأموری که قبای مردها را قیچی می‌کرده و چادر از روی سر زن‌ها برمی‌داشته گوشمالی بدهند. با هم برنامه می‌ریزند و یکی بالاخره چادر سرش می‌کند و از جلو مأمور رد می‌شود. مأمور هم می‌افتد دنبالش تا اینکه او را به یک کوچه بن‌بست می‌کشاند. همان چند نفر او را آنجا گیر می‌اندازند و تا جایی که می‌خورد، از خجالتش درمی‌آیند.

روایتگری تاریخ

«خیلی مایه تأسف است که حادثه مسجد گوهرشاد با این عظمت و با این اهمیت هیچ انعکاسی در تاریخ ما، در ادبیات ما، در کتاب‌های رمان ما نداشته باشد». بدیهی است در وهله نخست و پیش از رسوخ چنین واقعه‌ای در ادبیات، باید خاطراتی را که در این خصوص در اذهان ملت آمده جمع‌آوری کرد تا هم بتوان به‌عنوان سند تاریخی آن‌ها را برای همیشه حفظ کرد و هم با فراوری آن‌ها در قالب‌های ادبی، به نسل بعدی منتقل نمود.

(مقام معظم رهبری)

حواشی

رواق: چهارسال پیش و در بازدید رهبر معظم انقلاب از نمایشگاه «حماسه گوهرشاد» در حرم مطهر رضوی، ایشان تأکید کردند «خیلی مایه تأسف است که حادثه مسجد گوهرشاد با این عظمت و با این اهمیت هیچ انعکاسی در تاریخ ما، در ادبیات ما، در کتاب‌های رمان ما نداشته باشد». بدیهی است در وهله نخست و پیش از رسوخ چنین واقعه‌ای در ادبیات، باید خاطراتی را که در این خصوص در اذهان ملت آمده جمع‌آوری کرد تا هم بتوان به‌عنوان سند تاریخی آن‌ها را برای همیشه حفظ کرد و هم با فراوری آن‌ها در قالب‌های ادبی، به نسل بعدی منتقل نمود. آنچه در ادامه می‌خوانید گزیده‌ای از کتابی است که مصطفی فاروقی با عنوان «جاری که جا نماند» از خاطرات مقاومت زنان و مردان ایرانی در دوران کشف حجاب رضاخانی گردآوری کرده است.

بادداشت

حاشیه‌نگاری اجرای یک تئاتر با موضوع واقعه گوهرشاد

سِلفی در «باغ‌خونی»

محسن فاطمی‌نژاد: همین دو سه سال پیش بود که به عنوان خبرنگار برای پوشش خبری دومین دور اجرای یک تئاتر، آفیش شدم. بهانه اصلی نه آن تئاتر، که اختصاص عواید بلیت‌فروشی‌اش به سیل‌زده‌ها و حضور یک سلبریتی به عنوان میهمان‌ویژه نمایش در آن شب بود. اسم آن سلبریتی را نخستین بار بود که می‌شنیدم. همان شب فهمیدم دو تَرک بیرون داده و توانسته هوادارانی برای خودش دست و پا کند. وقتی به محل اجرا رسیدم، دیدم همزمان قرار است دو نمایش در دو سالن روی صحنه برود. اسم نمایش یادم نمی‌آمد ولی از تجمع طیف متنوعی از افراد جلو یکی از سالن‌ها حدس زدم باید هوادار همان سلبریتی باشند. چند دقیقه‌ای پشت در منتظر ماندیم تا آقای سلبریتی برسد و نمایش شروع شود. سیل سلفی‌ای آمدنش به راه افتاد. در همین حین از یکی از عوامل موضوع نمایش را پرسیدم و فهمیدم نمایشی با محوریت واقعه کشف حجاب در مشهد و گوهرشاد است. آدم پایش به سالن‌های نمایش شهر باز شده باشد، در همان نگاه اول می‌فهمد بعید است چه این سلبریتی و چه هوادارانش غیر از ترک‌های دو سه دقیقه‌ای یک خواننده بتوانند پای یک نمایش بیش از یک ساعته تاب بیاورند. حالا فرض کنید موضوع تئاتر، واقعه تاریخی کشف حجاب در مشهد و گوهرشاد باشد.

اینکه می‌گویم این سلبریتی و هوادارانش سنخیتی با تئاتر و به‌خصوص تئاتر تاریخی ندارند نه از باب بی‌احترامی، بلکه مقدمه‌ای برای مطرح کردن این پرسش است که ذائقه هنری و فرهنگی جامعه ایرانی و به‌خصوص نسل‌های جوان‌تر تا چه اندازه تغییر کرده است؟ این سلبریتی نوپا همچون بسیاری از هم‌ردیفانش ترانه‌هایی را می‌خواند که خودش زحمت سرودن آن‌ها را نیز به دوش کشیده بود؛ ترانه‌هایی که فقط با وجه عاطفی زبان سروکار دارند و فاقد لایه‌های معنایی هستند. با این مقدمه تصور کنید هواداران جوان این خواننده به هوای دیدن خواننده محبوبشان مخاطب اتفاقی یک تئاتر تاریخی همچون «باغ خونی» با زبانی قرص و محکم و لایه‌های معنایی فراوان شوند؛ به نظر شما واکنش این طیف مخاطبان چه خواهد بود؟ کدام یک برای آن‌های دلپذیرتر خواهد بود؛ دیدن و سلفی گرفتن با خواننده محبوبشان یا از سرگذراندن یک تجربه عاطفی معنادار به نام باغ‌خونی؟

تا انتهای نمایش باغ خونی در انتظار واکنش این طیف مخاطبان بودم.

گفتم پیش از آغاز نمایش که همراه تماشاگران پشت درهای سالن نمایش معطل بودم و هنوز از قرار این سلبریتی با هوادارانش در سالن نمایش خبر نداشتم. ناهمگونی طیف تماشاگران این تئاتر که یک نمایش تاریخی و غیرکمدی به حساب می‌آمد برایم جای سؤال بود. انسان، هر شکل آدمی را همه جا نمی‌بیند. می‌خواستم بدانم این طیف مخاطب در پایان و حتی طول نمایش چه واکنشی به تجربه‌شان خواهند داشت.

عکس و سلفی گرفتن سلبریتی با هوادارانش مقدمه شروع نمایش و موسم خداحافظی او با هوادارانش بود. حالا بی‌جویان صفحات مجازی این سلبریتی باید تا انتها، به تنهایی و بی‌حضور او نمایش را پی می‌گرفتند. نور رفت و تاریکی به مثابه پرده‌ای سیاه تمام صحنه نمایش را فراگرفت و نمایش به پایان رسید. من اما به جای آنکه به دنبال عکس و سلفی گرفتن با بازیگران نمایش یا گپ و گفتی کوتاه با عوامل پشت صحنه باشم بیش از همه کنجکاو دانستن نظر همان طیف مخاطبانی بودم که پیش از شروع نمایش بی‌پرده از حضورشان به برای دیدن نمایش که برای دیدن هنرمند محبوبشان می‌گمگشتند.

تقریباً از اینکه از نمایش خوشنشان آمده بود و حس و حالشان را عوض کرده بود مطمئن بودم ولی دوست داشتم با ادبیات و زبان خودشان آن را بشنوم. به تجربه رسیدم به اینکه در یک نمایش غیرکمدی موفق به جز در شوخی‌های موجز و مشهودی که در طول نمایش دارد، مخاطب در تمام طول نمایش ساکت می‌ماند و هیچ‌گاه از محدوده بحران به اندازه‌ای که نمایش درگیرش کرده، به خنده پرنده نمی‌برد. به همین خاطر بلافاصله پس از خاتمه نمایش از سالن نمایش زدم بیرون و در مدر نظرتان را جستم. هم‌آن‌گونه که حدس می‌زدم خیلی‌هایشان اولین بار بود که به تماشای تئاتر نشسته بودند. همین بود که با زبانی عوامانه و نه ادبیاتی هنری نظراتشان را می‌گفتند. تمام مخاطبان زبانشان حول «عالی» و «فوق‌العاده» می‌چرخید. شنیدن نظرات این طیف مخاطبان همچون آخرین تکه‌هایی بودند که پازل ذهنی‌ام را در مورد سؤال ابتدای این یادداشت کامل می‌کردند. این سؤال که ذائقه هنری و فرهنگی جامعه ایرانی و به‌خصوص نسل‌های جوان‌تر تا چه اندازه تغییر کرده با دیدن این نمایش و واکنش‌های مخاطبان اتفاقی‌اش دیگر بی‌جواب نبود. به نظرم این دیدگاه که جامعه ایرانی با طبیعه فرهنگی است کاملاً درست است اما اینکه چرا نسل‌های جوان‌تر به سمت و سوی غنی فرهنگ نمی‌روند و به سطح بسنده می‌کنند یک دلیل بیشتر ندارد؛ اینکه هر چند طبیعت ما فرهنگی است اما در مقام فعلیت‌های فرهنگی ضعیف هستیم.

اگر این روزها می‌بینیم اندوخته‌های فرهنگی‌مان ثابت مانده‌اند و ذائقه مردم رو به تنزل است به این خاطر است که باوجود داشتن زبان قوی، فرهنگ غنی و ذهنیت فرهنگی در مردم، هنر دست اولی به تمام عرصه‌هایش با کارهایی از جنس و کیفیت باغ خونی روبه‌رو بودند هرگز به دنبال فست فودهای فرهنگی نمی‌رفتند. با گسترش کیفی و کمی آثار هنری دست اول می‌توان اتفاق‌های فرهنگی بیشتری را پیش پای مخاطب گذاشت و تا آنجا پیش رفت که شاهد تبدیل شدن «مخاطب اتفاقی» به «مخاطب انتخابی» در عرصه‌های فرهنگی و هنری بود.

بله، باغ خونی یک نمایش با موضوع کشف حجاب رضاخانی و گوهرشاد بود ولی در عین حال دور از ذهن‌ترین کسی را که می‌شد به عنوان مخاطب چنین تئاتری تصور کرد، تا لحظه آخر پای خود نشاند و او را با خاطره‌ای از یک هنر دست اول از یک واقعه ملی مذهبی، دست پر برگرداند.

باغ‌خونی

آدم پایش به سالن‌های نمایش شهر باز شده باشد، در همان نگاه اول می‌فهمد بعید است چه این سلبریتی و چه هوادارانش غیر از ترک‌های دو سه دقیقه‌ای یک خواننده بتوانند پای یک نمایش بیش از یک ساعته تاب بیاورند. حالا فرض کنید موضوع تئاتر، واقعه تاریخی کشف حجاب در مشهد و گوهرشاد باشد.

حواشی

گفت‌وگو با دکتر هادی وکیلی درباره واقعه تاریخی گوهرشاد

قیام مسجدی‌ها

مرور تاریخ ایران پیش از اسلام نشان می‌دهد از دوره مخامنشیان تا دوره معاصر، زن و مرد ایرانی برای سرتر و پای خود لباس داشته‌اند اما در دوره رضاشاه یکباره این فرهنگ و هنجار ملی اصیل زیر پا گذاشته می‌شود و او شروع به خارج کردن این لباس از تن زن و مرد ایرانی کرده و لباس فرنگی بر تن آن‌ها می‌کند آن هم با جریمه، زور، کتک و تهدید.

نویسنده

■ آیا این گونه رفتارهای رضاخانی فقط از ضدیت با دین و مذهب ناشی می‌شد یا با ارزش‌ها و آداب ملی نیز در تضاد و تعارض بود؟

این اعمال رضاخانی ثابت کرد وی حتی ملی‌گرا و باستان‌گرا هم نیست و آن‌ها که معتقدند رضاشاه فرهنگ ملی را پاس داشته، دروغ می‌گویند، چراکه او ضد فرهنگ ملی قیام و فرهنگی دینی ملی را مقابل فرهنگ غرب ذبح کرد.

ازجمله مصادیق این ذبح، کشف حجاب بود که از سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ کلید خورد؛ محمدرضا پهلوی، شاه بعدی در کتاب «مأموریت برای وطنم» می‌نویسد: پدرم در سال ۱۳۱۳ عملاً کشف حجاب را آغاز و آن را بین ارتشیان و برخی دیگر از اقشار اجباری کرده بود.

آمنه مستقیمی| «... وقتی جامعه ایرانی می‌بیند همه فرهنگ او در حال بر باد رفتن است و آداب و رسومش به تمسخر گرفته شده و رضاشاه می‌خواهد جامعه ایرانی را به ظاهر غربی کند، تاب نمی‌آورد و مقابل این سیاست‌های به‌ظاهر فرهنگی قیام می‌کند...»؛ این جملات بخشی از سخنان دکتر هادی وکیلی، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد است که به مناسبت فرا رسیدن سالروز قیام تاریخی گوهرشاد و به منظور تحلیل ریشه‌ها و آثار این قیام تاریخی در گفت‌وگو با ما بیان کرده است. در ادامه مشروح آن را می‌خوانید.

■ ریشه قیام گوهرشاد و آنچه در سرکوب و کشتار مردم بی‌گناه رخ داد را باید در کجا جست‌وجو کرد؟ کدام سیاست‌های رژیم پهلوی اول سبب وقوع این قیام شد؟

واقعه گوهرشاد به عنوان قیام خودجوش مردمی در تیرماه ۱۳۱۴ آغاز شد البته از دو سه ماه پیش، زمینه‌های آن شکل گرفته بود که درنهایت به سرکوب و کشتار مردمی در روزهای ۲۱ و ۲۲ تیرماه انجامید. درباره چرایی این قیام با حضور علما و عامه مردم باید گفت: قیام گوهرشاد یک واکنش عمیق اجتماعی از سوی ملت ایران نسبت به سیاست فرهنگی ضددینی، ضدملی و ضدمنافع و مصالح عمومی جامعه ایران بود. وقتی رضاشاه روی کار آمد برخلاف ادعاهای قبلی که خود را مذهبی نشان می‌داد به‌تدریج به مناسک و آموزه‌های دینی بی‌اعتنایی کرده و حتی مقابل آن‌ها مواضع تند گرفت و به‌تدریج از فردی مذهب‌گرا در پیش از پادشاهی به فردی مذهب‌گریز و درنهایت مذهب‌ستیز تبدیل شد! جامعه این رفتارها را می‌دید... چنان که مخبرالسلطنه در خاطرات خود می‌نویسد: تعداد مشروب‌فروشی‌ها در کشور افزایش یافته است و حتی روبه‌روی حرم حضرت معصومه(س) مشروب‌فروشی به راه انداخته‌اند!

وی همچنین آورده: دو سه سال پیش از اجرای قانون کشف حجاب، کشتی‌های متعدد کلاه فرنگی برای زنان و مردان به کشور وارد می‌کرد. مهم آنکه همه این سیاست‌های رژیم پهلوی خلاف باورهای اسلامی شیعی و مناسک و فقه دینی مردم بود.

■ مسئله کشف حجاب در وقوع این قیام بیشتر تأثیر داشت یا تأکید پهلوی اول بر متحدالشکل شدن لباس‌ها؟ اساساً واقعه گوهرشاد را چطور باید تحلیل کرد؟

برخی از هنجارها و ارزش‌هایی که رضاخان با آن‌ها به ستیز برخاسته بود به آداب و رسوم و فرهنگ ملی جامعه بازمی‌گشت یعنی هنجارهای ملی مورد دستبرد قرار گرفته بود؛ چراکه لباس زن و مرد ایرانی لباسی نبود که هر پادشاهی به دلخواه خود آن را تغییر دهد، بلکه به ظاهر شکیل و زیبا و به لحاظ کارکرد هماهنگ با اقلیم ایران طراحی شده بود و از نظر فرهنگی حجب و حیا و عفاف را در جامعه ایرانی نشان می‌داد.

مرور تاریخ ایران پیش از اسلام نشان می‌دهد از دوره هخامنشیان تا دوره معاصر، زن و مرد ایرانی برای سر، تن و پای خود لباس داشته‌اند اما در دوره رضاشاه یکباره این فرهنگ و هنجار ملی اصیل زیر پا گذاشته می‌شود و او شروع به خارج کردن این لباس از تن زن و مرد ایرانی کرده و لباس فرنگی بر تن آن‌ها می‌کند آن‌هم با جریمه، زور، کتک و تهدید.

چنان‌که جریان لباس متحدالشکل مطرح می‌شود سپس با اعمال فشار، استفاده از کلاه ایرانی حتی کلاه پهلوی که توسط خود رضاخان به کشور وارد شده بود، ممنوع و از فروردین ۱۳۱۴ استفاده از کلاه فرنگی، یا شاپو یا لگنی قانون می‌شود.

■ آیا این گونه رفتارهای رضاخانی فقط از ضدیت با دین و مذهب ناشی می‌شد یا با ارزش‌ها و آداب ملی نیز در تضاد و تعارض بود؟

این اعمال رضاخانی ثابت کرد وی حتی ملی‌گرا و باستان‌گرا هم نیست و آن‌ها که معتقدند رضاشاه فرهنگ ملی را پاس داشته، دروغ می‌گویند، چراکه او ضد فرهنگ ملی قیام و فرهنگی دینی ملی را مقابل فرهنگ غرب ذبح کرد.

ازجمله مصادیق این ذبح، کشف حجاب بود که از سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ کلید خورد؛ محمدرضا پهلوی، شاه بعدی در کتاب «مأموریت برای وطنم» می‌نویسد: پدرم در سال ۱۳۱۳ عملاً کشف حجاب را آغاز و آن را بین ارتشیان و برخی دیگر از اقشار اجباری کرده بود.

■ قیام گوهرشاد با همه تلخی‌ها و سرکوب‌های جنایتکارانه‌ای که در پی آن رقم خورد، چه کارکردهایی را در تاریخ معاصر داشته و زمینه چه اتفاقات مهم دیگری را فراهم کرده است؟

این قیام چند مسئله مهم را نشان داد؛ نخست در بعد سلبی نشان داد رضاشاه فردی منافق و دروغگو است. او که پیش از پادشاهی خود با به‌شدت مذهبی و چهره‌ای ملی نشان می‌داد و در مراسم‌های مذهبی شرکت می‌کرد و حتی در دهه محرم برای حضرت سیدالشهدا(ع) دسته عزاداری قزاق‌ها را به راه می‌انداخت، پس از رسیدن به پادشاهی ذره‌ای به دین و دینداران رحم نمی‌کرد و اینچنین پرده نفاق پهلوی را کنار زد.

دوم آنکه نشان داد ساختار فکری و جنس سیاست‌گذاری پهلوی از جنس وابستگی به غرب است؛ یعنی تمایل دارند در فرهنگ از غرب الگو بگیرند نه علم و فناوری.

سوم و مهم آنکه ثابت کرد جامعه ایرانی زنده است و حیات دارد و دربرابر هر نوع تعرضی به حقوق و ارزش‌های خود واکنش نشان می‌دهد؛ این خود را به خوبی نشان داد و در تحولات بعدی ادامه یافت چنان که انقلاب اسلامی هم بیش از آنکه سیاسی باشد فرهنگی خوانده می‌شود.

■ این قیام از نظر جریان‌سازی‌های پس از خود به‌ویژه در خنثی‌سازی جریان غربی کردن مردم ایران چقدر مؤثر بوده است؟

جامعه ایرانی به فرهنگ خود به‌ویژه فرهنگ اسلامی‌اش کاملاً علاقه‌مند و پایبند است و حاضر است برای آن جان و خون دهد؛ قیام گوهرشاد یک پیش‌مقدمه و نمونه کوچک از جامعه ایرانی است وقتی جامعه ایرانی می‌بیند همه فرهنگ او در حال بر باد رفتن است و آداب و رسومش به تمسخر گرفته شده و رضاشاه می‌خواهد جامعه ایرانی را به ظاهر غربی کند، تاب نمی‌آورد و مقابل این سیاست‌های به‌ظاهر فرهنگی قیام می‌کند. چون رضاشاه در ظاهر از اصول غرب دم می‌زد و برای مثال هیچ درکی از مفاهیمی همچون دموکراسی نداشت چنان‌که در دوره حکومت او برخلاف دوران مشروطه و نیز دوره حکومت پسرش، هیچ حزبی وجود نداشت، او فقط ادای غربی‌ها را درمی‌آورد و همین هم اعتراض مردمی را به دنبال داشت.

البته معترضان قصد جنگ مسلحانه یا براندازی حکومت را نداشتند بلکه خواهان اصلاح مفاسد و آزادی مرجع تقلیدشان بودند اما به‌شدت سرکوب شدند. باید توجه داشت اگرچه کشف حجاب رسمی در ۱۷ دی ۱۳۱۴ رخ داد اما کشف حجاب غیررسمی از چند سال پیش رخ داده بود و جامعه ایرانی دربرابر این تهدیدها و توهین‌ها به فرهنگ خود بود که قیام کرد.

■ قیام گوهرشاد با همه تلخی‌ها و سرکوب‌های جنایتکارانه‌ای که در پی آن رقم خورد، چه کارکردهایی را در تاریخ معاصر داشته و زمینه چه اتفاقات مهم دیگری را فراهم کرده است؟

این قیام چند مسئله مهم را نشان داد؛ نخست در بعد سلبی نشان داد رضاشاه فردی منافق و دروغگو است. او که پیش از پادشاهی خود با به‌شدت مذهبی و چهره‌ای ملی نشان می‌داد و در مراسم‌های مذهبی شرکت می‌کرد و حتی در دهه محرم برای حضرت سیدالشهدا(ع) دسته عزاداری قزاق‌ها را به راه می‌انداخت، پس از رسیدن به پادشاهی ذره‌ای به دین و دینداران رحم نمی‌کرد و اینچنین پرده نفاق پهلوی را کنار زد.

دوم آنکه نشان داد ساختار فکری و جنس سیاست‌گذاری پهلوی از جنس وابستگی به غرب است؛ یعنی تمایل دارند در فرهنگ از غرب الگو بگیرند نه علم و فناوری.

سوم و مهم آنکه ثابت کرد جامعه ایرانی زنده است و حیات دارد و دربرابر هر نوع تعرضی به حقوق و ارزش‌های خود واکنش نشان می‌دهد؛ این خود را به خوبی نشان داد و در تحولات بعدی ادامه یافت چنان که انقلاب اسلامی هم بیش از آنکه سیاسی باشد فرهنگی خوانده می‌شود.

■ این قیام از نظر جریان‌سازی‌های پس از خود به‌ویژه در خنثی‌سازی جریان غربی کردن مردم ایران چقدر مؤثر بوده است؟

جامعه ایرانی به فرهنگ خود به‌ویژه فرهنگ اسلامی‌اش کاملاً علاقه‌مند و پایبند است و حاضر است برای آن جان و خون دهد؛ قیام گوهرشاد یک پیش‌مقدمه و نمونه کوچک از جامعه ایرانی است که انقلاب اسلامی را خواستار بود، بنابراین انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ شکل یافته این قیام بود.

نهضت اسلامی در دوره رضاشاه مراحل ابتدایی خود را طی می‌کرد از سوی دیگر شدت خشونت و اختناق اجازه نمی‌داد میزان آگاهی‌های مردم بالا برود، اما قیام گوهرشاد از یک‌سو چهره پلید و جنایکار پهلوی را به نمایش گذاشت و از سوی دیگر نشان داد شعارهایی همچون آزادی زنان به‌قدری برایشان مضحک است که حاضر هستند در مسجدی که توسط یک زن ساخته شده، به نام آزادی زنان، زن و مرد ایرانی را قتل‌عام کنند؛ درحقیقت این جریان، تعارضات رژیم را به خوبی نشان داد و مهر ابطال بر سیاست‌های رژیم پهلوی زد چنان که تا سال ۵۷ و پیروزی انقلاب، جامعه ایران در بسیاری از موارد و مواضع برای رد و طرد رژیم به این قیام استناد می‌کرد.

■ قیام گوهرشاد چقدر در دور شدن رژیم پهلوی از اهداف و آمالش در موضوع کشف حجاب و گرفتن حجب و حیا از زن ایرانی مؤثر واقع شد؟

مسئله حجاب از دو نظر اهمیت دارد؛ یکی به دلیل حکم شرعی و دینی صریح قرآن و روایات؛ البته در فرهنگ ایرانی از دوره هخامنشی زن و مرد ایرانی پوشش و حجاب داشته‌اند. به دلیل حفاظت و صیانت از زن، حجاب عمدتاً به زنان معطوف است چون اگر زن در جامعه آسیب ببیند، جامعه و نهاد خانواده آسیب می‌بینند بنابراین رژیم تعمد داشت از حجاب آغاز کند و به هویت دینی و ملی مردم آسیب بزند. از دیگر سو، مدافعان این هویت نشان دادند حجاب به عنوان امری فطری دینی برای آن‌ها مهم است و اجازه نمی‌دهند زن ایرانی مورد تعرض قرار بگیرد و این هویت مورداعتماد جامعه ایرانی، آسیب ببیند.

همان‌طور که قبلاً هم بیان شد رژیم پهلوی با این سیاست از نهاد ریشه کشی شده بود و چهره ضددین خود را آشکار کرد. تا چند سال بعد، این روند ادامه یافت و باوجود استفاده از نهایت خشونت اما اسناد مربوط به کشف حجاب ثابت می‌کند جامعه ایرانی همچنان مقاومت کرده است و در گزارش‌های نهاد حکومت آمده درنهایت خسته شدند و حقیقتاً هم شکست خورده‌اند. به محض سقوط رضاخان و فرار او، مردم جشن گرفتند و به فرهنگ ایرانی اسلامی خود بازگشتند.

کتاب‌خانه

از گوهرشاد چه بخوانیم؟

«رضا داریم تا رضا... یکی خان است و قلدر، یکی جان است و دلبر! خدا از تو نگذرد رضاخان: جانم فدای تو رضاخان که حَرَمت غرق خون است. شفاعتم کن مولا که جز تو و مولایی تو، حالی ندارم و احوالی....

میان چاه پر از آه مرا انداختند. سوختم؛ اما خندیدم و خدا را شکر کردم. این سوختن بوی بهشت می‌دهد، از بوی تیزاب تا بوی درخت طوبی و سدره‌المنتهی چقدر راه است؟ باید برای خدا جان بدهی. جان دادم. چه خوش می‌کیفد این حال و احوال.

حالم را بنویس ای کاتب. ما در مسجد گوهرشاد زنده ماندیم و ما را غریب دفن کردند در چاهی در باغ خونی».

این‌ها قسمتی از مجموعه داستان «مردمان قصه کنند» به قلم سعید تشکری است که ۸۱ روایت از قیام مسجد گوهرشاد و جنایت‌های رضاخان در این واقعه را شامل می‌شود. این کتاب توسط انتشارات آستان قدس رضوی (به‌نشر) منتشر شده است.

کتاب بعدی «شخصیت‌شناسی قیام گوهرشاد» به قلم ایوب خورسندی است که انتشارات بوی شهر بهشت منتشر

خبر ویژه

گنجینه رضوی مزین به نسخه‌هایی نفیس از حرز امام جواد علیه‌السلام

گنجینه آستان قدس رضوی در حال حاضر بیش از ۱۰۶ هزار نسخه خطی و ۶۵ هزار کتاب چاپ سنگی را در خود نگهداری می‌کند که در میان آن‌ها آثار متعددی به شرح فضایل، مکارم اخلاق و مناقب امام جواد(ع) پرداخته است. در این میان نسخه خطی بحارالانوار علامه مجلسی یکی از نسخه‌های خطی نفیس این گنجینه به شمار می‌آید که مشتمل بر احوال، مناقب و فضایل امام نهم شیعیان است. کارشناس نسخ خطی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی این نسخه را جلد دوازدهم بحارالانوار می‌داند که در سال ۱۰۷۷ هجری در ۱۵۸ برگ ۲۵/۵*۱۶ سانتیمتری به خط نسخ و در ۱۳ سطر نگاشته شده و توسط رضا نائینی در مرداد ماه ۱۳۱۱ وقف آستان قدس رضوی شده است.

سیدرضا صداقت حسینی به نسخه دیگری از همین کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی اشاره می‌کند که قرن ۱۲ هجری به خط نسخ در ۳۱ صفحه کتابت شده و توسط سید جلال‌الدین تهرانی وقف آستان قدس رضوی شده است. اما نکته جالب اینجاست که نسخه نفیس دیگری که مشتمل بر حرز امام جواد(ع) است با عنوان احراز ائمه اطهار(ع) در این کتابخانه نگهداری می‌شود.

کارشناس نسخ خطی گنجینه رضوی درباره این اثر گفت: نسخه احراز ائمه اطهار(ع) به زبان عربی و شامل حرزهای ۱۴ معصوم(ع) است که از مهج‌الدعوات ابن‌طاووس نقل شده است.

ادبیات رضوی

رونمایی از «مرا با خودت ببر»

آیین رونمایی از کتاب «مرا با خودت ببر» نوشته حجت‌الاسلام مظفر سالاری با موضوع زندگانی و شخصیت امام نهم شیعیان برگزار شد.به گزارش آستان‌نیوز، آیین رونمایی از کتاب «مرا با خودت ببر» نوشته حجت‌الاسلام مظفر سالاری با موضوع زندگانی و شخصیت امام جواد(ع) شب گذشته با حضور جمعی از مسئولان و نخبگان فرهنگی و ادبی در دانشگاه امام جواد(ع) شهرستان یزد برگزار شد.حجت‌الاسلام مظفر سالاری، نویسنده این اثر در این مراسم ضمن گرامیداشت روز ادبیات کودک و نوجوان، نوشتن این کتاب را توفیقی از سوی امام رضا(ع) برای خود دانست.این اثر در قطع رقعی و با قیمت ۴۰هزار تومان توسط به‌نشر منتشر شده و در فروشگاه‌های این مؤسسه در مشهد و سراسر کشور در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین مروی:

فعالیت‌های فرهنگی آستان قدس رضوی معطوف به حوزه جوانان است

عکس: وحید بیات

گزیده

آستان قدس در حوزه فرهنگ عمده همت خود را به فعالیت در حوزه جوانان معطوف کرده است، زیرا جوانان قوه محرکه جامعه هستند و ما به عنوان دستگاه منتسب به امام علی بن موسی الرضا(ع) وظیفه داریم به میزان توان و مقدورات بنیان‌های اعتقادی آینده‌سازان جامعه اسلامی را تقویت و عمق ببخشیم.

تولیت آستان قدس رضوی گفت: آستان قدس در حوزه فرهنگ عمده همت خود را به فعالیت در حوزه جوانان معطوف کرده است، زیرا جوانان قوه محرکه جامعه هستند و ما به عنوان دستگاه منتسب به امام علی بن موسی الرضا(ع) وظیفه داریم به میزان توان و مقدورات بنیان‌های اعتقادی آینده‌سازان جامعه اسلامی را تقویت و عمق ببخشیم.

به گزارش آستان‌نیوز، حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مروی در اختتامیه دوره مجازی «بی‌نهایت شو» که با حضور دختران برگزیده سراسر کشور در اردوگاه فرهنگی تربیتی امام رضا(ع) مشهد برگزار شد، جوانان را سرمایه عظیم جامعه و نقش آنان را در پیشرفت و اعتلای کشور تعیین‌کننده دانست و گفت: آستان قدس رضوی وظیفه خود می‌داند هر آنچه را در توان دارد برای بالا بردن دانش دینی جوانان به کار گیرد.

وی با بیان اینکه آستان قدس فعالیت در راستای تقویت دین‌باوری و مبانی دینی جوانان را وظیفه خود می‌داند، افزود: اقدام برای تقویت بنیان‌های عقیدتی جوانان از دستورات دین اسلام و ائمه اطهار(ع) است، زیرا سلامت جوانان به سلامت و سعادت جامعه منتهی می‌شود.تولیت آستان قدس رضوی گفت: آستان قدس در حوزه فرهنگ عمده همت خود را به فعالیت در حوزه جوانان معطوف کرده است، زیرا جوانان قوه محرکه جامعه هستند و ما به عنوان دستگاه منتسب به امام علی بن موسی الرضا(ع) وظیفه داریم به میزان توان و مقدورات بنیان‌های اعتقادی آینده‌سازان جامعه اسلامی را تقویت و عمق ببخشیم.وی در ادامه با بیان اینکه باید از وقایع تاریخی عبرت گرفت، به وقایعی که به رقم خوردن صفین، تشکیل خوارج و واقعه عاشورا منجر شد اشاره و تأکید کرد: تاریخ سرشار از عبرت و حوادث آن چراغ راه آینده است، یکی از وقایع عبرت‌آموز تاریخ، فتنه خوارج است؛ خوارج یاران امیرالمؤمنین(ع) بودند که مناسک مذهبی را بسیار رعایت می‌کردند، اما به سبب عدم برخورداری از بینش و معرفت دینی منحرف شدند و در برابر امام و پیشوای خود ایستادند.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین مروی تصریح کرد: انسان در صورتی می‌تواند یک مسلمان موفق باشد که پس از انجام فرایض و تهذیب نفس، خود را مجهز به بینش و معرفت دینی کند.وی با اشاره به تأکیدات دین اسلام و روایت‌های معصومین(ع) نسبت به کسب دانش و معرفت دینی، گفت: توصیه من به جوانان این است که از همان سن جوانی که انسان قدرت و استعداد فراگرفتن حقایق را دارد برای تقویت و بالا بردن معرفت و بینش دینی خود تلاش کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین مروی افزود: عزاداری برای ائمه اطهار(ع) آن گاه موجب ارتقا، رشد و کمال انسانی می‌شود که با معرفت و بینش نسبت به این حضرات همراه باشد.

موانع سرمایه‌گذاری در منطقه ویژه اقتصادی سرخس باید از بین برود

شرط حضور موفق در بازار آسیای میانه

با وجود سرمایه‌گذاری ۳ هزار میلیارد تومانی آستان قدس رضوی در منطقه ویژه اقتصادی سرخس و ایجاد زیرساخت‌های لازم، اما همچنان بروکراسی‌های اداری مهم‌ترین مانع توسعه صادرات کشور از این منطقه کشور است.

به گزارش آستان‌نیوز، آستان قدس رضوی در منطقه اقتصادی سرخس با ۳ هزار میلیارد تومان هزینه کرد، زیرساخت‌های لازم و شرایط ویژه‌ای را ایجاد کرده است تا تولیدکنندگان و صادرکنندگان کشور بتوانند برای در دست گرفتن بازار آسیای میانه برنامه‌ریزی کنند.

■ ظرفیت اشتغال‌زایی برای بیش از ۱۵هزار نفر

صادقی گلمکانی، مدیرعامل مؤسسه منطقه ویژه اقتصادی سرخس می‌گوید: آستان قدس رضوی شرایط خوبی را در این منطقه به وجود آورده و با حمایت‌های بنیاد بهره‌وری موقوفات و تلاش مؤسسه، امکانات لازم برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و همچنین تاجران و بازرگانان فراهم شده است.

در منطقه ویژه اقتصادی سرخس حدود ۴۶ شرکت فعال در حوزه‌های مختلف از مینی‌پالایشگاه و پتروشیمی تا صنایع غذایی و سرامیک و کاشی وجود دارد. علاوه بر این، ۵۰ تا ۶۰ شرکت جدید در حال فعال شدن است که در طول سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به بهره‌برداری می‌رسند.گلمکانی می‌گوید: بر اساس برنامه‌ریزی انجام شده تا پایان سال ۱۴۰۳، تعداد ۳۵۰ شرکت تولیدی، خدماتی و صادراتی در منطقه ویژه اقتصادی سرخس مستقر خواهند شد و این مسئله اگرچه حجم سرمایه‌گذاری بالا می‌خواهد، اما ما یقین داریم که این کار شدنی است.او ادامه می‌دهد: اگر هر یک از شرکت‌های این منطقه به طور متوسط ۱۵ کارگر و کارمند استخدام کند، بیش از ۵ هزار و ۲۰۰ نفر به صورت مستقیم مشغول به کار خواهند شد و به صورت غیرمستقیم نیز برای ۱۰ هزار نفر اشتغال ایجاد می‌شود.

■ کمک به اقتصاد کشور

جالب است بدانید دو سوم ترانزیت کشور از شهرستان سرخس انجام می‌شود و این یعنی یک ظرفیت بسیار بالا برای صادرات کالا به آسیای میانه. باید بر این نکته مهم نیز تأکید کرد که آستان قدس رضوی با وجود سرمایه‌گذاری کلان، خود کمترین استفاده را از عواید اقتصادی موجود در این منطقه دارد؛ چراکه هدف نخست از ایجاد چنین زیرساختی را کمک به اقتصاد شهرستان، استان و کشور تعیین کرده است.در این منطقه حدود ۴۰ کیلومتر ریل‌گذاری ویژه انجام شده تا صادرات کالاها به کشورهای آسیای میانه به راحتی انجام شود. البته برای حمل و نقل، شرایط دیگری هم فراهم شده است؛ سرمایه‌گذاران در منطقه و کشور می‌توانند علاوه بر حمل و نقل ریلی، از حمل و نقل جاده‌ای و همین طور هوایی یا به اصطلاح حمل و نقل ترکیبی هم استفاده کنند.او با بیان اینکه بیشتر فعالیت منطقه ویژه اقتصادی سرخس بر پایه صادرات است، اضافه می‌کند: در این منطقه فقط کالاهایی وارد می‌شود که احتیاج دولت بوده و مایحتاج ضروری مردم است و کالاهایی که خارج از این حوزه باشند در فهرست کالاهای وارداتی این منطقه قرار نمی‌گیرد.

■ تشکیل ستاد ویژه برای حل مشکلات

اما با وجود همه این زیرساخت‌ها و حمایت‌های آستان قدس رضوی، فعالان اقتصادی این منطقه با مشکلات اداری متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند و این موضوع مانع توسعه فعالیت‌های آن‌ها شده است.مؤسسه منطقه ویژه اقتصادی سرخس در سال جاری با شعار «تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها» ستاد ویژه‌ای را تشکیل داده و تلاش دارد با همکاری مدیران شهرستان، استان و در صورت نیاز مسئولان ملی، روند رسیدگی به مشکلات این حوزه و حل شدن آن را سرعت ببخشد.

به گفته کارشناسان، عمده موانعی که منطقه ویژه اقتصادی سرخس و شرکت‌های سرمایه‌گذار با آن روبه‌رو هستند، موانعی است که در ادارات دولتی قابل رفع شدن است و فقط اراده‌ای می‌خواهد که این مشکلات را حل کند.

گلمکانی می‌گوید: وقتی مشکلات را با برخی مدیران استان مطرح می‌کنیم، موضوع به معاونان و در نهایت کارشناسان ارجاع می‌شود و در یک دور باطل می‌افتد. مکاتبات بین‌بخشی زمانبر و بروکراسی اداری، از مشکلات تولیدکنندگان در منطقه ویژه اقتصادی سرخس است و تقریباً تمامی سرمایه‌گذاران در منطقه خواهان تفویض اختیارات از ادارات کل به ادارات شهرستان هستند.

گلمکانی می‌گوید: مدیران کل استان باید به مدیران شهرستان‌ها اختیار ۱۰۰درصدی بدهند و شهرستان نیز با این اختیار تام حل مشکلات شرکت‌ها را تسریع کند، نه اینکه هر روز از شهرستان با استان مکاتبه شود و در نهایت هم مشکلات حل نشده باقی بماند.

■ تکلیف سرمایه‌گذار را روشن کنند

برای تحقق شعار سال باید تمامی دستگاه‌های دولتی در استان به صورت میدانی به سراغ شرکت‌ها و حوزه‌های مرتبط بروند، مشکلات را جویا شوند و در کمترین زمان تصمیم‌گیری لازم را داشته باشند تا سرمایه‌گذار و تولیدکننده تکلیف خودش را بداند. گلمکانی معتقد است: هر شرکتی که بخواهد کار تولیدی انجام دهد، بدون مشکل نخواهد بود و وظیفه منطقه ویژه سرخس و مدیران استان و شهرستان، رفع همین مشکلات است؛ به همین دلیل در همان ابتدای کار باید به سرمایه‌گذار گفته شود چه مواردی قابل حل است و چه مواردی طبق قانون و مقررات حل شدنی نیست تا سرمایه‌گذار تکلیفش را بداند.

سخن پایانی اینکه، منطقه ویژه اقتصادی سرخس با ۳ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری آستان قدس رضوی و استقرار شرکت‌های صادراتی، همه ظرفیت‌ها و زیرساخت‌ها برای توسعه صادرات و افزایش سهم ایران از بازار آسیای میانه را دارد اما هنوز عزم دولت برای بهره بردن از این ظرفیت بی‌نظیر با هدف تقویت توان اقتصاد ملی جزم نشده است.

عکس علی کریمی رستگار - عکس رضوی

آگهی مزایده اتومبیل (سند دمه)

برابر درخواست خانم زهره مومن به شرح وارده ۵۰۰۷۱۴۱۰۰۴۱۷۷ -۱۴۰۰۰ ۱۴۰۰/۰۲/۲۹ به موجب پرونده اجرائی ۱۳۹۹۰۴۰۰۷۱۴۱۰۰۰۳۸۷/۱ و به شماره بایگانی ۹۹۰۰۴۴۹یک دستگاه خودرو پیکان تیپ ۱۶۰۰ به شماره پلاک انتظامی ایران ۲۶ - ۳۲۸ ج ۸۴ مدل ۱۳۸۰ متعلق به مرحوم علی رضائی نام پدر: محمد علی تاریخ تولد:۱۳۵۹/۰۶/۲۰

شماره ملی: ۰۶۸۱۲۳۲۹۶۱ ش ش ۲۴۹۷ مدیون پرونده اجرائی کلاسه فوق که به استناد سند ازدواج شماره ۱۲۶۱۰ -۱۳۸۳/۰۷/۲۷دفترخانه ازدواج شماره ۳۹ - شهر بجنورد استان خراسان شمالی (تعداد ۱۰۰ سکه طلای تمام بهار آزادی) که پس از تسعیر سکه به قیمت روز در قبال مبلغ ۱۰/۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت طلب خانم زهره مومن و مبلغ ۵۱۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال نیم عشر اجرائی بازداشت گردیده است و طبق نظریه کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۱۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال(معادل نوزده میلیون تومان) برآورد شده و نظریه ارزیابی قطعی گردیده است و از ساعت ۹ الی ۱۲ روز شنبه مورخه ۱۴۰۰/۰۴/۲۶در محل اداره اجرای اسناد رسمی بجنورد واقع در بجنورد خیابان شریعتی شمالی جنب اداره پست قدیم از طریق مزایده به فروش می رسد، خریداران می توانند در وقت مقرر در محل برگزاری مزایده حاضر شده و در جلسه شرکت نمایند ، مزایده فقط در یک نوبت برگزار می گردد و از مبلغ نوزده میلیون تومان (۱۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال) شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته می شود و طبق ماده ۱۳۶ -اصلاح آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است. برنده مزایده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر ، مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند ، مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. در این صورت ، عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می گردد و ضمنا کلیه بدهی های خوروی مذکور (خلافی - پارکینگ - هزینه دفتر خانه و غیره) بر عهده برنده مزایده خواهد بود و حق مزایده و نیم عشر نقدا دریافت میگردد و چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی اعلام گردد و مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد . مشخصات خودرو طبق نظریه کارشناس: نوع سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۱ رنگ سفید ، تعداد سیلندر ۴ عدد ، سوخت تک سوز بنزین ، به شماره شاسی ۸۱۴۰۲۹۶۱ موتور ۹۱۱۲۸۰۲۲۶۲۳ دارای ۴ حلقه لاستیک نسبتا ضعیف ، و در بررسی به عمل آمده توسط کارشناس مشخص شده تعمیرات اساسی خودرو شامل وضعیت بدنه و تجهیزات و رنگ آمیزی کامل (به استثنای سقف)اقدام و اصطلاحا دو رنگ میباشد و در بدنه خودرو آثار ضرب دیدگی در سر شاسی ها و صندوق عقب مشخص شده است - محل استقرار ماشین جهت بازدید: بجنورد پارکینگ (امام رضا)بنیاد سابق جنب زندان بجنورد واقع گردیده است . تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱ آ-۱۴۰۳۵۷۷

علی اوسط رستمی
رئیس اداره اجرای اسناد رسمی بجنورد

آگهی موضوع ماده۳قانون و ماده۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۶۳۳۹۰۰۰۰۷۵ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سندرسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خوشاب تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/علی اصغرمعصومی فرزند اسمعیل بشماره شناسنامه ۶۱ صادره از سبزوار در یک باب کارگاه موزائیک سازی به مساحت ۱۰۰۸/۷۲مترمربع قسمتی ازپلاک۱۳اصلی واقع در اراضی سلطان آبادبخش ۱۰خوشاب خریداری از مالک رسمی آقای محمدجوپانی فرزند عباسعلی محرزگردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله۱۵روزآگهی می شوددرصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید،ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهدشد.(م الف ۴۰۰/۸۲۰) آ-۱۴۰۳۵۷۶

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۰/۰۴/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۰/۰۵/۰۵
علیرضا میرزائی-رئیس ثبت اسنادواملاک خوشاب

آگهی آراء هیات حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی قانون یاد شده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیات مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شیروان رسیدگی و تایید قرار گرفته جهت اطلاع در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی (کثیر الانتشار و محلی) بشرح ذیل آگهی می گردد.

۱-برابر کلاسه ۳۸۶-۹۸ رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۷۱۱۴۰۰۰۴۱۴ آقای علی حسین زاده فرزند براتعلی درشدنانگ یک باب انباری به مساحت ۷۰/ متر مربع قسمتی از پلاک ۳۵۲و۳۵۳فرعی از۲ اصلی مزرعه حصارواقع دربخش ۵قوچان از محل مالکیت محمد ابراهیم دانیال

۲- برابر کلاسه ۴۰۴-۹۹ورأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۷۱۱۴۰۰۱۲۱۰ آقای رحیم قنبری فرزند میرآب درشدنانگ یک باب منزل به مساحت ۱۳۴/۵۰متر مربع قسمتی از پلاک۱۱فرعی از۱اصلی واقع در خراسان شمالی بخش۵قوچان خریداری ازمالک رسمی آقای ولی محمد قنبری

۳- برابر کلاسه ۴۰۱-۹۹ورأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۷۱۱۴۰۰۱۲۰۳آقای حیدرامانی فرزند امان اله درشدنانگ یکباب منزل به مساحت ۲۵۱/۲مترمربع قسمتی ازپلاک شماره یک اصلی سه یک آب واقع در خراسان شمالی بخش۵قوچان ازمحل مالکیت مصطفی مهدوی

-۴ برابر کلاسه ۳۶۰-۹۹ورأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۷۱۱۴۰۰۱۲۰۶آقای عباس فیاض پسندیده بلقان فرزند موسی الرضا درشدنانگ یکباب مغازه به مساحت ۱۹مترمربع قسمتی ازپلاک شماره ۳۰۸فرعی از۲اصلی مزرعه حصار واقع در خراسان شمالی بخش۵قوچان ازمحل مالکیت علی محمد زهرایی

به این وسیله به فروشندگان و مالکین مشاعی و اشخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ می گردد چنانچه اعتراضی دارند باید از انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهند. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند خواهد نمود .ضمنا صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. آ-۱۴۰۳۵۵۳

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۰/۰۵/۰۵
اکبرقبالی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شیروان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۱۴۱۶ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۲ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عباس ارجمندیان فرزند محمد بشماره شناسنامه ۹۵ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی مشجر به مساحت ۵۲۹/۰۳ مترمربع باقیمانده پلاک ۸۱ - فرعی از ۱۴۷- اصلی واقع در خراسان جنوبی بخش دو حوزه ثبت ملک بیرجند از محل مالکیت محمد کاسه سنگی و مالکیت مشاعی قهری متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود رابه این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.آ۱۴۰۲۹۹۸

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۰/۰۴/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم : دوشنبه ۱۴۰۰/۰۴/۲۱
علی فضلی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بیرجند

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۶۰۰۳۰۰۰۰۰۱ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدرضا سالاری فرزند علی بشماره شناسنامه ۱۳۷ صادره از مشهد در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۸۰/۴۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۹۶ فرعی از ۲۲۷ اصلی بخش ۹ مشهد واقع در شهید رستمی ۴۴ ابراهیمیان ۱۰ نبش چهارراه اول خریداری از مالک رسمی آقایان حسین ربیعی گل ختمی و جواد اکبرزاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف ۵۳۸ آ۱۴۰۲۹۹۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۴/۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۴/۲۱
رئیس ثبت اسناد و املاک- محمدجواد غلامی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۴۲-۱۴۰۰ مورخه ۱۴۰۰/۰۴/۰۲ هیات به شماره کلاسه ۳۳۴-۱۳۹۹موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رسول ملکشی فرزند حسنقلی بشماره شناسنامه ۳ صادره از بجنورد در شششدانگ یک باب منزل مسکونی به مساحت ۱۹۲،۶۰ متر مربع از پلاک ۱۱۹ فرعی از ۱۲۹ اصلی واقع در اراضی ملکش خراسان شمالی بخش دو بجنورد خریداری از مالک رسمی آقای محمد علی حلقه سنگی فرزند براتعلی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م الف ۳۰۹۸ .آ-۱۴۰۳۰۲۰

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۰/۰۴/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱
احمد اصغری شیروان رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۴۹-۱۴۰۰ مورخه ۱۴۰۰/۰۴/۰۲ هیات به شماره کلاسه ۸۸-۱۴۰۰موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ابراهیم برومند فرزند یداله بشماره شناسنامه ۸۹۲ صادره از مانه و سملقان در ششدانگ یک باب مغازه به مساحت ۱۱متر مربع از پلاک ۲۷۳۶ فرعی از ۱۵۵ اصلی واقع در اراضی کهنه کند خراسان شمالی بخش دو بجنورد خریداری از مالک رسمی خانم اقدس ضیائی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م الف ۴۰۰۴

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۰/۰۴/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱ آ-۱۴۰۳۰۳۱
احمد اصغری شیروان رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۴۶-۱۴۰۰ مورخه ۱۴۰۰/۰۴/۰۲ هیات به شماره کلاسه ۳۴۷-۱۳۹۸موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ابراهیم برومند فرزند یداله بشماره شناسنامه ۸۹۲ صادره از مانه و سملقان در ششدانگ یک باب مغازه به مساحت ۲۶،۴۷متر مربع از پلاک ۱۵۵ اصلی واقع در اراضی کهنه کند خراسان شمالی بخش دو بجنورد خریداری از مالک رسمی آقای علی اکبر غلامحسین زاده محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م الف ۴۰۰۲ آ-۱۴۰۳۰۳۵

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۰/۰۴/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱
احمد اصغری شیروان - رئیس ثبت اسناد و املاک